

تاریخ پزشکی در ایران قسمت دوم: نقش دانشگاه جندی شاپور

دکتر سیداحمد رضا خضری^(۱)

پیش از آنکه به بررسی تأثیر دانشگاه و بیمارستان جندی شاپور در پیدایش علم پزشکی در اسلام بپردازیم، لازم است گزارشی از وضعیت علمی اعراب قبل و بعد از اسلام ارائه دهیم، زیرا این مطلب در روشن شدن گونگی این انتقال علمی اهمیت بسیار دارد.

براب پیش از اسلام اکثراً امی و بی سواد بودند، چنانکه همزمان با طلوع ستاره اسلام تنها ۱۷ نفر از مردم ریش و ۱۱ نفر از ساکنان یثرب خواندن و نوشتن می دانستند.^(۲)

«عنوان یک اصل کلی، فراگیری علم و دانش به مراکزی برای تعلیم نیاز دارد و مراکز تعلیم جز با ماندگار شدن در یک مکان پدید نمی آید. از آنجا که اکثر ساکنان عربستان را بدویانی تشکیل می دادند که خانه پشمین خود را در پشت شتر حمل می کردند و به دنبال مایحتاج زندگی در بیابانهای جزیره العرب سرگردان بودند، و می توانستند

در محل ثابتی ساکن شوند. دسترسی به شرایط تحصیل تمدن و فرهنگ و کسب علوم برای آنها میسر نبود و جرم به صورت امی و بی سواد باقی ماندند. بعلاوه عواملی چون جهل و تنگی معیشت و نداشتن نظام صحیح زندگی و ساختار سیاسی معمول در سایر نقاط متمدن جهان، وحشگری و درنده خوئی و زنا و اخلاقی، محیط اجتماعی عربستان را در ظلمت فرو برده و سنت های جاهلی، مانند غارت و چپاولگری و قمار و استیسا، پادگاهساری در زندگی آنان بصورت امری طبیعی درآمده بود. چنانکه قرآن کریم درباره فساد اخلاقی عرب می فرماید:

و کنتم علی شفا حفرة من النار فانقذکم منها^(۳)

شما بر لب پرتگاه آتش بودید که خدا نجاتتان داد.

با ظهور اسلام تحولی شگرف در زندگی عرب بوجود آمد. زیرا اسلام با ایجاد اصول و اهداف تربیتی صحیح و سازگار با فطرت انسان و فراهم نمودن شرایط و عوامل مادی، اعراب را به دنیای متمدن وارد کرد. اسلام تعلیم

۱- رئیس دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه زنجان

۲- بلاذری، فتوح البلدان، ص ۲۵۷-۲۹۵. ۳- سوره آل عمران، آیه ۱۰۲.

و تربیت را به درس و کتاب و معلم و شاگرد محدود نساخت و آنرا بصورت همگانی و منظم درآورد که بر اساس آن هر فرد موظف بود که قدرت آکادمی دیگری را در زمینه‌های جهان‌شناسی، انسان‌شناسی، شرایط اقتصادی و سیاسی و اجتماعی گسترش دهد و از طریق پرورش قدرت تفکر در انسان او را برای برخورد با مسائل آماده سازد. اسلام به عنوان جامع‌ترین دین تمام جوانب زندگی بشر را مورد توجه قرار داد و بر خلاف مسیحیت - که علاقه‌ای به تربیت غیردینی نداشت و همین امر در تربیت اروپا را سرانجام زیاده از حد غیردینی کرد - از تربیت دینی و دنیوی در کنار هم نظم جدید و متوازنی را بوجود آورد که ترکیبی ممکن و متعادل از علائق دینی و دنیوی را به دنبال داشت.

اسلام میزانهای اخلاقی و تربیتی تازه‌ای آورد که تا آن هنگام ناشناخته، اما با روح انسان سازگارتر بود. و باری آنکه تربیت اخلاقی را به شیوه‌ای منظم برقرار سازد، به امر تعلیم اهمیت بسیار داده است. زیرا تعلیم در عین حال که خود از اهداف تربیتی است، وسیله و مقدمه‌ای برای رسیدن به تربیت صحیح بشمار می‌رود از این رو آیات قرآن کریم و سنت شریف نبوی سرشار از تکریم و تعظیم از مقام علم و دانش از یکسو و معلم و دانشمند و دست‌اندرکاران امور آموزش و پرورش از سوی دیگر است.

خداوند در نخستین آیات قرآن از خواندن و آموختن و قلم سخن گفته است.^(۱) که نشان اولویت دانش و معرفت و معرفی خداوند به عنوان اولین معلم برای بشر است. در جای دیگر شهادت صاحبان علم را تالی شهادت خدا و ملائکه خوانده است که به قول غزالی در فضیلت و نبالت علم کفایت دارد.^(۲)

قرآن علما دانشمندان را بلند مرتبه دانست و آنان را بر نادانان برتری داد.^(۳) این تعالیم مرقی در روزگاری بر بشریت عرضه گردید که جهل و نادانی بر بخش گسترده‌ای از جهان سایه افکند. در چنین روزگار تیره‌ای، انوار تابناک اسلام بر بی‌خبران پرتو افکند و اندر زما و توصیه‌های آموزنده رسول خدا (ص) آموزش توأم با تقوا و فضیلت را به صورتی ساده و بی‌پیرایه پی‌ریزی نمود و دانش‌پژوهی را بر هر فرد مسلمان واجب کرد و از آنان خواست که از گاهواره تا کور دانش بجویند. دانشمندان را وارثان پیامبران شمرد و مرکب قلمشان را از خون شهیدان برتر دانست بنابراین شکفت نیست که بسیاری از دانشمندان وی را به عنوان نخستین آموزگاران و مربیان امت اسلامی و بنیان‌گذار واقعی فن تعلیم و مباحث آموزش در اسلام دانسته‌اند.^(۴)

بعلاوه دیری نپاشد که اعراب سرزمینهای آن روزگار را درنوردیدند و به مراکز و آثار علمی کشورهای چون هند و ایران و یونان و روم و سوریه و مصر و ... دست یافتند که از میان آنها مراکز علمی جندی شاپور بر مراکز دیگر تفوق و برتری چشمگیری داشت و دانشکده و بیمارستان آن سرآمد مراکز پزشکی آن عصر محسوب می‌گردید. لیکن دسترسی اعراب به میراث پزشکی آن به آسانی صورت نگرفت. زیرا ناقد زمینه‌های تاریخی و اجتماعی لازم بودند و آشنایی آنان با طب نیز بسیار ابتدائی بود. اما آنچه در نظر ایشان بیشتر اهمیت داشت، دستورهای پیغمبر (ص) درباره بهداشت و پرهیز و نظایر آن بود که به جان می‌پذیرفتند و آنرا بکار می‌بستند. اسلام درباره اصول کلی طب و بهداشت دستوراتی به مومنان داده و در چند آیه از قرآن کریم مسائل طبّی بطور کلی مورد بحث قرار گرفته و نیز احادیثی از پیغمبر اسلام (ص) درباره سلامتی، بیماری، بهداشت و ... نقل شده و از بیماریهایی نظیر جذام، ذات‌الجنب، ورم چشم و نظایر آنها یاد شده است. که بعدها نویسندگان مسلمان مجموعه گفته‌های پیامبر (ص) درباره مسائل طبّی و بهداشتی را مدون کردند و به نام "طب النبوی" در اختیار همگان گذاشتند.^(۵)

۱- علق آیه ۵-۱.

۲- غزالی، احیاء العلوم ج ۱ ص ۱۱.

۳- مجادلک، آیه ۱۱.

۴- غزالی، ج ۱ ص ۱۵-۱۲.

۵- رک، بخاری، صحیح جلد ۴ ص ۱۸۲.

که سنت نبوی، دستورالعمل زندگی مسلمانان بوده است، گفته‌های آن حضرت درباره مسائل طبّی نیز می‌در ایجاد زمینه‌های لازم برای این علم فراهم ساخته است.

پزشک عرب که نام وی در روایات آمده، حارث بن کله است که با پیامبر (ص) همعصر بود و در شاپور درس خوانده، اما اعراب زمان وی غالباً نسبت به طبابت او که رنگ غیر عربی داشت به چشم می‌نگریستند^(۱).

دیگر از این بی‌اعتنایی اعراب به طبیبان بیگانه - که در عین حال نمونه‌ای از دستورات بهداشتی نیز هست - را سعدی در حکایتی از گلستان خود یاد کرده است.

ملوک عجم طبیبی حاذق به خدمت مصطفی - صلی الله علیه و سلم - فرستاد، سالی در دیار عرب بود و چربه پیش او نیاورد، و معالجه از وی درخواست. پیش پیغمبر (ص) آمد و کله کرد که مرین بنده را بالجت اصحاب فرستاده‌اند و در این مدت کسی التفاتی نکرد تا خدمتی که بر بنده معین است بجای آورد. - علیه السلام - گفت: این طایفه را طریقیست که تا اشتها غالب نشود نخورند و هنوز اشتها باقی بود که طعام بدارند، حکیم گفت اینست موجب تندستی، زمین ببوسید و برفت.

یا سرانگشت سوی لقمه‌دراز
یا ز ناخوردنش بجان آید
خوردنش تندرستی آر دبار^(۲)

سخن آنکه کند حکیم آغاز
که ز ناگفتنش خلل زاید
لاجرم حکمتش بود گفتار

بیمارستان در تاریخ اسلام نیز همان خیمه‌ای بود که پیامبر خدا (ص) هنگام نبرد خندق برای درمان در مسجد خویش در مدینه برافراشت و زنی بنام رفیده را برای رسیدگی به حال مجروحان جنگ ت.^(۳)

ایت مقریزی آمده است که در تاریخ اسلام ولید بن عبدالملک (۸۶-۹۶ ه.ش) نخستین کسی بود که در سال (۷۰۶ م) بیمارستان و دارالمرضی (درمانگاه) بنا کرد و پزشکانی را در آن برگماشت و برای ایشان تعیین کرد و به فرمان وی جذامیان در جایی محصور نگهداری شدند تا از آن محل بیرون نروند و برای ن. و نابینایان روزی‌ها مقرر ساخت.^(۴)

علمی ترجمه و آغاز پزشکی در اسلام:

رتباط میان عربستان و جندی‌شاپور به صدر اسلام بازمی‌گردد. زیرا عده‌ای از پزشکان معروف عرب حارث بن کله و نضر بن حارث دو تن از پزشکان همعصر پیامبر (ص)، دانش آموخته جندی‌شاپور. همچنین ابن‌اثال پزشک معاویه بن ابی‌سفیان و ابوالحکم، حکم دمشقی از دیگر پزشکان شام از مصیلان جندی‌شاپور بودند. با وجود این نخستین تأثیر مستقیم جندی‌شاپور در محافل اسلامی به ۱۲ ه. در زمان خلافت منصور دومین خلیفه عباسی و بنیان‌گذار شهر افسانه‌ای بغداد اتفاق افتاد. این محالها از بیماری سوء‌هاضمه رنج می‌برد، در حالیکه از پزشکان درباری کاری ساخته نبود، لذا به توسل به پزشکان جندی‌شاپور برآمد. پزشکان دربار، جرجیس بن بختیشوع رئیس بیمارستان

۱- حسین، علم و تمدن در اسلام، ص ۱۰۶. ۲- سعدی، گلستان، باب سوم ص ۱۰۶.

شام ج ۱ ص ۶۸۸، احمد عیسی بک، ص ۹.

۳- عبدالرحیم غنیمه ص ۱۶۸، قس مقریزی، خط ج ۴ ص ۲۵۸-۲۵۹ و احمد عیسی بک، ص ۱۰.

گندی شاپور را به وی معرفی کردند. جرجیس از پزشکان حاذق و نامی جندی شاپور بود که به وسیله تألیفات فراوانش در علم پزشکی شهرت بسیار یافته بود. خلیفه این پزشک مشهور را برای معالجه به دربار خود فراخواند. درمان موفقیت آمیز خلیفه به دست جرجیس سبب شد که منصور از این پزشک درخواست کند که در بغداد بماند. در واقع ماندگار شدن جرجیس در بغداد و مهاجرت تدریجی شاگردانش آغاز انتقال میراث علمی جندی شاپور به این شهر بوده است.

با آنکه جرجیس در اواخر عمر به جندی شاپور بازگشت، اما وی راه ورود اخلاف و شاگردانش را به بغداد هموار ساخت و به این ترتیب حلقه اتصال میان دانشگاه بزرگ و مراکز علمی مسلمانان در بغداد گردید. از آنجا که جورج به زبانهای عربی، سریانی، فارسی و یونانی تسلط کامل داشت، بنا به درخواست منصور پاره‌ای از آثار طبی یونان و ایران را برای وی به زبان عربی ترجمه کرد که این خود آغاز نهضت علمی بزرگی بود که در زمان هارون الرشید (۱۷۰-۱۹۲ هـ) و مأمون (۱۹۸-۲۱۸ هـ) تکامل یافت و در نتیجه صدها اثر علمی از زبانهای هندی، فارسی، یونانی، سریانی و عبری به زبان عربی ترجمه شد که به دنبال آن تمدن اسلامی وارث پیشرفت‌ها و کشفیات علمی جهان شد و بنیاد خود را بر اساس آن استوار ساخت.

روحیه تسامح و گذشت و پرهیز از تعصبات قبیله‌ای و مذهبی خلقای دوره اول عباسی عامل مهمی در جذب وزیران دانشمند و علم‌دوست ایرانی و نیز دانشمندان شام و ایران و هند و خصوصاً پزشکان جندی شاپور به دربار آنان گردید.

اینک برای روشن شدن چگونگی انتقال علوم از دانشگاه جندی شاپور به دنیای اسلام، اسامی مشهورترین پزشکان و مترجمینی که دانش آموخته این دانشگاه بوده‌اند و در دربار عباسیان به ترجمه آثار ایرانی، یونانی، سریانی و ... به زبان پرداخته‌اند را ذکر می‌کنیم.

خاندان بختیشوع:

۱- جرجیس بن بختیشوع:

سرده‌ست این خاندان علمی جرجیس بن بختیشوع پزشک معالج منصور عباسی که شرح حال وی را پیش از این یاد کردیم.

۲- بختیشوع بن جرجیس:

به چیره‌دستی در پزشکی همچون پدر بود و در بیمارستان جندی شاپور اقامت داشت و به دعوت هارون الرشید برای معالجه وی به بغداد آمد. وی پیش از آن نیز منصور (۱۲۶-۱۵۸ هـ) و مهدی (۱۵۸-۱۶۹ هـ) را معالجه کرده بود. چون هارون الرشید مقام والای علمی جرجیس را دریافت، ریاست همه پزشکان را به وی داد.^(۱)

خاندان ماسویه:

۷- ماسویه:

وی پدر یوحنا بن ماسویه پزشک معروف است که ۴۰ سال در بیمارستان جندی شاپور اقامت داشت و تجربیات بسیاری درباره داروسازی بدست آورده بود و انواع بیماریها و راه علاج آنها را به نیکی می‌شناخت. وی به فضل بن یحیی برمکی (وزارت ۱۷۷-۱۸۵ هـ) پیوست و بعدها به دربار هارون راه یافت و جزء پزشکان مخصوص وی بود.

۸- یوحنا بن ماسویه:

وی از پزشکان نامی عصر عباسی است که در دانشگاه جندی شاپور این دانش را آموخته بود. او مولف نخستین رساله کحالی به نام دغلالعین به زبان عربی است. بعلاوه آثار بسیاری از زبان یونانی را به فرمان

۱- ابن ابی اصیبعه ج ۲ ص ۶۱ و نیز ابن عبری ص ۱۹۲ و قفطی ص ۱۲۰.

الرشید به زبان عربی ترجمه کرد.^(۱) م آنکه زبان تند و طبع سرکش و شکر تردیدش درباره دین مسیح، دشمنانی علیه او برانگیخت، توانست خود را تا هنگام مرگ بسال ۲۴۲ هـ/ ۸۵۷م حفظ کند.

ن حنین:

بن‌بن اسحق: (۱۱۴-۲۶۳ هـ/ ۸۱۰-۸۷۷م)، وی که به لاتینی یوآنتیوس (Joannitius) نامیده می‌شود، یکی از بزرگان بزرگی است که نقش سترگی در ترجمه آثار یونانی به عالم اسلام دارد. در حیره به دنیا آمد. در آنجا دارو فروش بود. بعدها به جندی‌شاپور و بغداد رفت و نزد پزشکان مشهوری چون ابن‌ماسویه، آموخت و برای تکمیل اطلاعات خود در زبان یونانی به آسیای صغیر سفر کرد. و بدنبال آن درستترین ها از زبانهای یونانی و سریانی به زبان عربی فراهم آورد و آثار علمیش مرجع و مأخذ تالیفات پزشکی رفت. استادی حنین در طبابت و ترجمه سبب شده است که وی به عنوان یکی از بزرگترین چهره‌های پزشکی اسلام شناخته شود.^(۲)

سحق بن حنین:

و. پسر بنامهای داود و اسحق داشت که هر دو در علم پزشکی شهرت یافتند. از آن میان اسحق در ترجمه اربت بسایر یافت و مانند پدر کتابهایی از یونانی به عربی ترجمه کرد. وی همکار صمیمی پدرش در ۹۵ رساله، جالینوس به سریانی و ترجمه ۹۹ رساله جالینوس به عربی بود.^(۳) اپورین سهل: وی نیز از پزشکان بزرگ جندی‌شاپور بود که بعدها به خدمت متوکل رسید و تا آنکه در ۲۵ هجری گذشت.

مشتک:

بیمارستان جندی‌شاپور بود تا آنکه هارون الرشید او را به ساختن بیمارستانی فرمان داد و ریاست آنرا تفویض کرد. پس از جندی او را از این کار معاف کرد.^(۴) د. این پزشکان به بغداد جندی‌شاپور رفته رفته اهمیت خود را از دست داد و مدارس پزشکی و ستانهای بغداد و سایر شهرهای اسلامی میراث ارزنده علمی این دانشگاه پرافتخار را به ارث بردند.

ن کریم

عبری، غریغورس، ابوالفرج، تاریخ مختصرالاول، ترجمه تاج‌پور، ریاضی، تهران، اطلاعات ۱۳۶۴ خ. ندیم، محمد بن اسحاق، الفهرست، ترجمه تجدد، تهران، امیرکبیر، چاپ سوم ۱۳۶۶ خ. ی، جمال‌الدین ابوالحسن، تاریخ‌الحکماء، ترجمه فارسی ق ۱۱ هـ، کوشش بهین دارایی، تهران، انتشارات اه تهران، ۱۳۴۷ خ. مآبادی، محمود، تاریخ طب در ایران پس از اسلام، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۶۶ خ.

بی‌اصیبه ج ۱ ص ۱۷۵-۱۸۷.

جی زیدان ص ۵۶۰ احمد شبلی صص ۱۲۰-۱۲۵-۱۵۰.

جی زیدان ص ۵۶۰ احمد شبلی صص ۱۲۰-۱۲۵-۱۵۰.

بی‌اصیبه ج ۱ ص ۱۸۷، ابن‌ندیم صص ۱۷۲-۲۳۹-۲۱۵ و قفطی ۲۲۲.

- ۶- احمد عیسی، تاریخ ابیمارستانات فی الاسلام، دمشق، ۱۲۵۷ هـ.
- احمد عیسی بک، تاریخ بیمارستانها در اسلام، ترجمه دکتر نورا، کسانلی، مؤسسه توسعه دانش و پژوهش ایران، چاپ اول ۱۳۷۱.
- ۷- دکتر احمد شبلی، تاریخ آموزش در اسلام، ترجمه محمد حسین ساکت، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ دوم ۱۳۷۰.
- ۸- چرچی زیدان، تاریخ تمدن اسلام، ترجمه علی جواهر کلام، امیر کبیر، چاپ ششم ۱۳۶۹.
- ۹- بلاذری، فتوح البلدان، قاهره، ۱۳۰۵ هـ.ق.
- ۱۰- ابن ابی اصیبعه، عیون الابیضاء، E.d. August muller, 1884.
- ۱۱- غزالی، محمد، احساء العلوم الدین، لیدن ۱۸۶۲ م.
- ۱۲- بخاری، صحیح البخاری، لیدن ۱۸۶۲ م.
- ۱۳- ابن هشام، سیر هاشمی، قاهره، ۱۳۲۲ هـ.ق.
- ۱۴- سعدی، گلستان.
- ۱۵- عبدالرحیم غنیمه، تاریخ دانشگاههای بزرگ اسلامی، ترجمه دکتر نورا، کسانلی، انتشارات یزدان، چاپ اول ۱۳۶۴.
- ۱۶- مقریزی، الخطط، قاهره ۱۲۷۰ ق.
- ۱۷- ادوارد براون، تاریخ طب اسلامی، ترجمه مسعود رجب نیا، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ پنجم، ۱۳۷۱.
- ۱۸- داعی پر، تاریخ علم، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، انتشارات سمت، چاپ اول، ۱۳۷۱.
- سیریل الکود، تاریخ پزشکی ایران و سرزمینهای خلافت شرقی، ترجمه دکتر باهر فرقانی، امیر کبیر، چاپ دوم ۱۳۷۱.
- ۱۹- آرتور کریستنسن، ایران در زمان ساسانیان، رشید یاسمی، امیر کبیر، ۱۳۶۶.
- ۲۰- جورج سارتون، مقدمه بر تاریخ علم، ترجمه غلامحسین صدری افشار، تهران، ۱۳۵۳.
- ۲۱- فیلیپ حتی، تاریخ عرب، ترجمه ابوالقاسم پاینده، انتشارات آگاه، ۱۳۶۶.
- ۲۲- تقی زاده، سیدحین، مجموعه مقالات، زیر نظر ایرج افشار.
- ۲۳- زرین کوب، عبدالحسین، تاریخ ایران بعد از اسلام، انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۳۶۳.
- ۲۴- الماسی، دکتر محمد علی، تاریخ آموزش و پرورش در اسلام و ایران، نشر دانش امروز، تهران، ۱۳۷۱.